

# انقلاب مشروطیت ایران

ادوارد براون

مترجم: مه‌ری قزوینی  
ویراستار: سیروس سعدوندیان

## فهرست

۷	مقدمه ناشر .....
۱۴	یادداشت الحاقی .....
۱۵	پیشگفتار .....
۲۹	فصل اول: سید جمال الدین، پیشوای اتحاد اسلام .....
۶۱	فصل دوم: امتیاز تنباکو و نتایج آن .....
۹۳	فصل سوم: ترور ناصرالدین شاه .....
۱۳۱	فصل چهارم: اعطای مشروطیت توسط مظفرالدین شاه .....
۱۷۳	فصل پنجم: محمدعلی شاه و مشروطیت .....
۲۱۱	فصل ششم: موافقتنامه روس و انگلیس از دیدگاه ایران .....
۲۳۳	فصل هفتم: کودتای ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ و انهدام نخستین مجلس .....
۲۷۵	فصل هشتم: دفاع تبریز .....
۳۰۵	فصل نهم: سقوط تبریز و قیام ایالات .....
۳۴۳	فصل دهم: پیروزی ملیون، کناره‌گیری محمدعلی شاه و اعاده مشروطیت .....
۳۷۹	فصل یازدهم: جلوس سلطان احمد شاه و دعوت از مجلس دوم .....
۴۱۱	یادداشت‌ها .....
۴۶۹	احوالات میرزا رضا کرمانی .....
۴۸۳	نمایه .....

## فصل اول

### سید جمال‌الدین، پیشوای اتحاد اسلام

در تابستان ۱۹۰۲ از من درخواست شد یک سخنرانی در باب اتحاد اسلام<sup>۱</sup> برای اعضای مؤسسه<sup>۲</sup> که آن زمان از کمبریج بازدید می‌کردند، ایراد کنم. من در آن سخنرانی، شاید تا حدی از سرب‌بی‌ملاحظگی، در وجود اتحاد اسلام تردید کرده و بنابه گفته یک دوست مسلمان، آن اتحاد را به عنوان «داعیه پوچ خبرنگار مقیم تایمز در وین» تعریف کردم. من کماکان برآنم که در این اصطلاح می‌توان امعان نظر نمود، از آن روی که «اتحاد اسلام» در غرب چنین درک می‌شود که تلویحاً بر نوعی کیفیت «تعصب‌گرایی»<sup>۳</sup> اشارت دارد، و مسلم این اصطلاح به هیچ روی تعصب‌گراتر از «اتحاد قوم ژرمن»<sup>۴</sup> یا «اتحاد قوم اسلام»<sup>۵</sup> یا «اتحاد ممالک قلمرو امپراتوری بریتانیا»<sup>۶</sup> نیست و در واقع، نخست به سبب جنبه تدافعی آن و دیگر به علت آن که مبتنی بر یک زمینه منطقی از ایمان مشترک است، به مراتب کمتر از اصطلاحاتی که بر اساس نه‌چندان منطقی نژاد مشترک تکیه دارند، تعصب‌گراست. اما، بی‌تردید، رخدادهای اخیر کمک شایانی به ایجاد حس برادری و اشتراک منافع بین ملل مسلمان کرده است. درست به همان سان که فعالیت «اتحادیه‌های (صنعتی) کارگری (صنعتی)» به تشکیل «اتحادیه‌های کارفرمایان» انجامید، خطر چپاول معدود کشورهای اسلامی باقیمانده - ترکیه، ایران و مراکش - توسط قدرت‌های اروپایی، که یا به صورت فردی یا با همکاری هم عمل می‌کردند، این کشورها را نسبت به خطر مشترکی که تهدیدشان می‌نمود بیدار و آگاه ساخت و این امر به تدریج، اما به گونه‌ای

---

1. Pan-Islamism

3. Fanaticism

5. Pan-Slavism

2. University Extensionists

4. Pan-Germanism

6. British Imperialism

انحصار تنباکو، در ۱۸۹۱، بازمی‌گردد. عقایدی که این طغیان غیرمنتظره نارضایی عمومی را موجب آمد، حداقل پنج یا شش سال پیش از آن توسط مردی برجسته، که برآتم در این فصل شرحی مختصراً از وی به دست دهم، بین مردم ایران ترویج گردید. هنوز این نکته که آیا مردان بزرگ نهضت‌های بزرگ را به وجود می‌آورند یا نهضت‌های بزرگ مردان بزرگ را، مسئله‌ای قابل بحث است، اما حداقل می‌توان گفت که این دو تفکیک‌ناپذیرند، و در این نهضت که ملل مسلمان را به سوی وحدت و آزادی سوق داد، هیچ کس بیش از سید جمال‌الدین، که مردی بود با شخصیتی بس قدرتمند، شجاعت بسیار، کنشی خستگی‌ناپذیر، دانش شگفت‌آور، فصاحت خارق‌العاده در بیان و نگارش و ظاهری تکان‌دهنده و در عین حال با عظمت، نقشی برجسته نداشت. وی در آن واحد یک حکیم، نویسنده، خطیب و روزنامه‌نگار، و برتر از همه یک سیاستمدار بود که هواخواهانش او را وطن‌پرستی بزرگ و مخالفانش آشوبگری خطرناک تلقی می‌کردند. در ادوار مختلف به بیشتر سرزمین‌های اسلامی و بسیاری از پایتخت‌های بزرگ اروپایی سفر کرد و با شمار کثیری از افراد برجسته زمان خود روابطی نزدیک، گاه دوستانه و اغلب خصمانه، چه در شرق و چه در غرب، برقرار نمود.

مواد لازم جهت تدوین شرح حال وی خوشبختانه فراوان، اما عمدتاً به زبان عربی می‌باشند<sup>۱</sup>. ترجمه حال کوتاهی، به صورت یک پیشگفتار بر برگردان عربی رساله «الرد علی‌الدّهريين»<sup>۲</sup> وی - اصل آن به فارسی در حدود ۱۸۸۰ در حیدرآباد دکن به رشته تحریر درآمده است - وجود دارد. این برگردان در ۶- ۱۸۸۵- ۱۳۰۳ هـ - در بیروت به چاپ رسیده است. یک ترجمه حال دیگر، که مشتمل بر شرح زندگانی

اجتناب‌ناپذیر، ایشان را به سوی نوعی همبستگی سوق داد. در این مفهوم، ما می‌توانیم، به انتخاب خود، سخن از یک نهضت «اتحاد اسلام» برانیم.

بیداری جهان اسلام، که مظاهر کم و بیش تکان‌دهنده‌اش، چه در زمینه مذهب و چه سیاست، طی سی یا چهل سال اخیر در ترکیه، ایران، مصر، مراکش، قفقاز، کریمه و هند بروز کرده است، بی‌تردید با پیروزی ژاپن بر روسیه شتاب بسیار یافته و تشدید گردید. زیرا این واقعه نشان داد که آسیایی‌ها نیز در صورت برخورداری از ارتش و تجهیزات مشابه کاملاً قادر به حفظ خود در میدان نبرد، حتی علیه سهمگین‌ترین دشمنان اروپایی، هستند. اما این بیداری به زمانی بس دورتر بازمی‌گردد. پیشینه جنبش اصلاح‌طلبانه ترک، که توسط شیناسی افندی<sup>۱</sup>، ضیاء پاشا<sup>۲</sup> و کمال بیگ<sup>۳</sup>، نخستین «ترک‌های جوان» - «ینی‌تورکلر» (Yeni Turkler) یا به عبارت صحیح‌تر «ترک‌های جدید» - بنیان نهاده شد به بیش از پنجاه سال قبل بازمی‌گردد<sup>۴</sup>. این جنبش با اعطای قانون اساسی، در ۲۳ دسامبر ۱۸۷۶، به اوج خود رسید و طی ایام تاریک جنگ روسیه - ترکیه رو به ضعف نهاد و در حکومت سرکوبگر سلطان عبدالحمید چنان می‌نماید که کاملاً فرونشست تا آن که به ناگاه در ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۸، تقریباً یک ماه پس از انهدام مجلس ایران توسط شاه و مزدوران روسی، به نحوی کاملاً غیرمنتظره و با شکوه تمام تجدید حیات نمود. جنبش ملی مصر، که حدود سال ۱۸۷۱ آغاز و طی قیام عربی پاشا و اشغال مصر توسط بریتانیا، در ۱۸۸۲، هنوز کاملاً از بین نرفته و طی چند سال اخیر نشانه‌های گوناگونی از فعالیت بروز داده است. سابقه «رستاخیز»<sup>۵</sup> ایران که با اعطای قانون اساسی توسط مظفرالدین شاه فقید، در ۵ اوت ۱۹۰۶، اوج گرفت، و تنها مدتی با کودتای ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۸ به وقفه دچار آمد، فی‌الواقع، آن چنان که ظواهر امر می‌نماید، به قیام موفقیت‌آمیز علیه امتیاز

۱. هنگام تحریر این فصل، بخش «مقدمه کتاب» بسیار تحسین‌برانگیز «تاریخ بیداری ایرانیان»، اثر ناظم‌الاسلام کرمانی، را که با اسناد تاریخی مهم و بی‌شماری غنی گردیده، از ایران دریافت داشتم. مقدمه این اثر، که حال یک صد و سیزده صفحه آن را در اختیار دارم، حاوی شرحی طولانی پیرامون زندگی سید جمال‌الدین است. در زیرنویس‌ها تحت عنوان «بیداری» به این کتاب اشاره خواهم داشت و طی یادداشتی در پایان کتاب به نحوی کامل تر از آن نقل قول خواهم کرد.

2. Refutation Of The Materialists

1. Shinásí Efendi

2. Ziyá Pasha

3. Kemál Bey

۴. جهت بررسی کامل جنبه‌های ادبی جنبش «ترک‌های جوان»، رجوع کنید به: جلد پنجم کتاب ای. جی. دلبیو. گیب (E. J. W. Gibb) تحت عنوان: (History Of Ottoman Poetry, London) (Luzac, 1907)، خاصه فصل اول به عنوان "The Dawn Of A New Era".

5. Risorgimento

بنابه آنچه که خود گفته است، سید محمد جمال‌الدین در روستای اسعدآباد در نزدیکی کز (Kanzar)، یکی از توابع کابل، در ۱۲۵۴ هـ، ۹ - ۱۸۳۸ م، متولد شد. پدرش سیدصفدر بود که خود را از اعقاب حدیث‌شناس بزرگ سیدعلی ترمذی و در نهایت از اعقاب حسین بن علی (ع) نوه پیامبر می‌دانست. آنگاه که هنوز کودک بود، پدرش به کابل<sup>۱</sup> - پایتخت افغانستان - مهاجرت کرد. از همان زمان کودکی هوش سرشار و قدرت ادراک زیادی از خود نشان داد و چون هشت ساله شد، پدرش شخصاً تعلیم و تربیت او را عهده‌دار گردید<sup>۲</sup>. مطالعاتش در ده سال آتی تمامی رشته‌های علوم اسلامی - چون صرف و نحو عربی، فقه اللغة و بدیع در کل متفرعاتش، تاریخ تمامی رشته‌های الهیات اسلامی، تصوف، منطق، حکمت نظری و عملی، فیزیک، متافیزیک، ریاضیات، نجوم، طب، علم‌الابدان و غیره - را مشتمل بود.

در هجده سالگی دیداری از هند کرده، یک سال و چند ماه در آن سامان اقامت گزید و طی این مدت پاره‌ای علوم اروپایی و روش‌های آن‌ها را فراگرفت. از هند عزم سفر مکه کرده، این سفر را به فراغت خاطر رهسپار گشت و در ۱۲۷۳ هـ - ۱۸۷۵ م، به این شهر مقدس رسید. پس از آن به موطنش بازگشته به خدمت دولت محمد خان درآمد و او را در نبرد هرات، که در اشغال برادرزاده و دامادش سلطان احمد شاه بود، همراهی نمود.

۱. در یکی از سرگذشت‌ها، مذکور است که دوست محمدخان پدر بزرگ امیر عبدالرحمان خان، اموال سیدصفدر را ضبط و مصادره و نامبرده را به کابل تبعید کرد تا بتواند وی را تحت نظارت بیشتر خود داشته باشد.

۲. طبق مندرجات «بیداری ایرانیان»، اسدآباد، زادگاه سید جمال‌الدین، در هفت فرسنگی همدان و پنج فرسنگی کنگاور واقع و دارای قریب ۸۰۰ خانوار و ۴۰۰۰ سکنه می‌باشد. بسیاری از خویشان جمال‌الدین کماکان در آن‌جا زندگی می‌کنند. پدرش سیدصفدر فردی فقیر و بی‌سواد بود. سید جمال‌الدین از پنج تا ده سالگی در مدرسه محلی تحصیل کرد و در هشت سالگی قادر به خواندن و نوشتن بوده، ترکی نیز می‌دانست. در ده سالگی از خانه پدر گریخته و به ترتیب به شهرهای همدان، اصفهان، مشهد و بعد به افغانستان رفت و در آن دیار تا حدی زبان انگلیسی را فراگرفت. با وجود این از اعتراف به ملیت ایرانی خود ابا داشت و از هر نوع اشاره به ارتباطش با اسدآباد همدان برمی‌آشت.

وی تا زمان مرگ، در ۱۸۹۷ است در بخش دوم کتاب «مشاهیر الشوق» جرجی زیدان، چاپ قاهره در ۱۹۰۳، صفحات ۶۶ - ۵۴، مندرج است. اخیراً نشریه مصری «المنار» مطالب بسیاری، که تقریباً تمامی مراحل زندگانی فعال و پرماجرایی وی را به تصویر می‌کشد، منتشر ساخته و کماکان نیز تداوم دارد. بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین پیروان وی «شیخ محمد عبده»، مفتی اعظم فقیه مصر بود که گرچه بی‌تردید خود یکی از بزرگ‌ترین متفکران و اساتید زمان ماست، اما بدان مفتخر بود که سید جمال‌الدین را سرور و آقای خویش بنامد. آنان نخستین بار در ۱۸۷۱ با یکدیگر برخورد کردند و از این زمان به بعد مطالب بسیار و قابل اعتمادی در باب زندگانی سید در اختیار داریم. اما راجع به سنوات نخستین زندگی و ماجراهای وی تنها یک شرح حال در دست است که نه تنها تا حدی سست و کم‌مایه است، این دشواری را هم می‌آفریند که افغانستان را محل تولد و عرصه دستاوردهای جوانی او می‌داند، حال آن که تمامی ایرانیان و بسیاری از خبرگان مسایل ایران، نظیر ژنرال هوتم شیندلر<sup>۱</sup> برآنند که وی در واقع نه در اسعدآباد<sup>۲</sup> حوالی کابل، که در اسدآباد (Asad-ábád) همدان در ایران متولد شده است. در این صورت، وی به سختی می‌توانسته است تماسی تنگاتنگ با رخدادهای سیاسی افغان طی سنوات ۶۸ - ۱۸۵۸؛ چنان که مدعی است، داشته باشد. استدلال شده است که وی به‌رغم آن که فی الواقع ایرانی بود داعیه افغانیت داشت، و این تا حدی بدین لحاظ بود که بتواند (در محیط سنتی نشین افغان) به سهولت بیشتر به عنوان یک سنتی راست‌دین<sup>۳</sup> سفر کند، و تا حدی هم از آن روی که بتواند خود را از «حمایت» مورد تردیدی که شاه ایران به اتباع خویش اعطا می‌کرد، به دور ماند.<sup>۴</sup>

1. Houtum Cshindler

2. Asa'd-ábád

3. Orthodox

۴. این نکته در کتاب «بیداری ایرانیان» - صص ۹۶، ۹۷ و غیر آن - مورد بحث قرار گرفته است. ناظم الاسلام به قصد آن که نشان دهد سید جمال‌الدین واقعاً یک ایرانی بوده و صرفاً به همان انگیزه که ذکر کردم - تلقی تابعیت ایران به عنوان تضمینی ضعیف برای امنیت خود - عنوان افغانی را برگزیده است، ترجمه فارسی ترجمه احوالی را، که در منابع عربی یاد شده مندرج است، در کتاب خود ارائه می‌دهد.